

کنعنی:

مسؤولیت جنایات در رفح بر عهده

رژیم صهیونیستی و آمریکااست

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: مسؤولیت جنایات و خونریزی جاری بویژه در رفح بر عهده رژیم کودک‌کش صهیونیستی و پشتیبان اصلی آن یعنی دولت آمریکا بوده واین جنایتکاران باید پاسخگوی جنایات خود باشند.
ناصر کنعانی،حمله‌رژیم‌اشغالگر صهیونیستی به منطقه مرزی رفح در جنوب نوار غزه را شدیداً محکوم کرد. وی اظهار داشت: حمله به این منطقه به‌رغم همه هشدارهای بین‌المللی و مخالفت قاطع جامعه جهانی، بیابگر درنده‌خوبی رژیم‌ی یافغی است که به‌هیچ‌هنجار بین‌المللی پایبند نبوده و قطعاً اصلی‌ترین تهدید صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. کنعانی تصریح کرد: این اقدام رژیم با هدف به شکست کشاندن تلاش‌های بین‌المللی برای توقف جنگ و پایان بخشیدن به نسل‌کشی در غزه و صرفاً به قصد حفظ منافع فردی و گروهی جنایتکاران صهیونیست انجام شده‌است. سخنگوی وزارت‌امور خارجه تأکید کرد: چنانچه قبلاً بارها اعلام کرده‌ایم، کلید آرامش و امنیت در منطقه، توقف فوری و بی‌قید و شرط جنگ علیه مردم مظلوم فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری بوده و همه بازیگران بین‌المللی باید رژیم صهیونیستی را با این هدف تحت فشار قرار دهند. کنعانی گفت: قطعاً مسؤولیت جنایات و خونریزی جاری، بویژه در منطقه خرفح بر عهده رژیم کودک‌کش صهیونیستی و پشتیبان اصلی آن یعنی دولت آمریکا بوده و این جنایتکاران باید پاسخگوی جنایات خود باشند.

■ ■ ■

نیروی دریایی ارتش هیأت پژوهشی به قطب جنوب اعزام می‌کند

فرمانده نیروی دریایی ارتش از اعزام هیاتی پژوهشی برای تحقیقات علمی در قطب جنوب خبر داد.امیر دریادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش در آیین بازدید دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش از دستاوردهای این نیرو در بندر امام خمینی(ره) ماهشهر در قالب بیستوششمین دوره هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی، ضمن اشاره به نقش نیروی دریایی ارتش در تأمین امنیت دریایی و اقتصادی کشور در دوران ۸ سال دفاع‌مقدس گفت: به سبب بروز شرایط جنگی در کشور، مدیریت‌تجزیره اقتصادی از طریق بنادر و سواحل جنوبی انجام می‌شود که در همین راستا نیروی دریایی ارتش، به منظور مراقبت و حراست از امنیت اقتصادی و نظامی خلیج‌فارس، به‌اسکورت و هدایت کشتی‌های باری، نفت‌کش و مسافری، به عنوان مأموریت ذاتی خود مبادرت می‌ورزید. وی افزود: ارتش در تمامی نقاط و کلون‌های راهبردی و اثربخش خود، با تمرکز بر حداکثر بازدارندگی، آماده حضور و مشارکت در تمامی رزمایش‌های مرکب در اقیانوس‌های آرام و اطلس بوده و در همین راستا، قرار است نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هیاتی علمی - پژوهشی رابرای تحقیقات علمی بیشتر، با آمادگی صددرصدی به قطب جنوب اعزام کند.

■ ■ ■
سرلشکر سلامی:

باید همه راه‌های نفوذ دشمنان بسته شود

فرمانده کل سپاه گفت:رسالت نیروی قدس سپاه بستن راه نفوذ دشمن در سرزمین‌های اسلامی است.

سردار سرلشکر حسین سلامی در مراسم چهل‌م شهدای حمله به کنسولگری ایران در دمشق اظهار کرد: این شهدا برای دفاع از حریم اسلام و عزت مسلمانان و نجات تمدن اسلام از سیاست‌بردگی مدرن غرب با محوریت آمریکا، هجرت را مقدمه جرات‌داره، برای ما پالسدان انقلاب اسلامی دست کشیده در جست‌وجوی رضوان الهی، میدان جهاد را برگزیندند و به آنچه در جست‌وجویش بودند، نائل شدند. وی ادامه داد: جهاد در راه آزادی مسلمانان که تحت سیطره خوداتکایی قرار دارد، برای ما پالسدان انقلاب اسلامی جذاب‌ترین و زیباترین مسؤولیت و مأموریت است.

سرلشکر سلامی افزود: مرزهایی که کشورهای اسلامی را از هم جدا می‌کند و به آنها هویت سیاسی مستقل می‌دهد، هرگز سیاست‌اساسی استعمار را از هم تجزیه نمی‌کند.استکبار با محوریت آمریکا برای سیطره بر جهان اسلام هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و مسلمانان را در یک هیئت یکپارچه و پیوسته می‌بیند و دنبال سیطره کامل بر جهان اسلام است. وی ادامه داد: چهره واقعی تمدن غرب را در غزه ببینید. رسالت نیروی قدس سپاه این است که راه نفوذ دشمن را در سرزمین‌های اسلامی ببندد. ما این کار را انجام می‌دهیم تا هم از امنیت خود دفاع کنیم و هم از امنیت کشورهای اسلامی. ما نمی‌توانیم زیر ستم و بردگی غرب، زندگی کنیم.

■ ■ ■

آخرین زمان ثبت‌نام نمایندگان نامزدها در سامانه «داوطلب»

سخنگوی شورای نگهبان گفت: آخرین مهلت ثبت‌نام نمایندگان نامزدها ساعت ۱۴ امروز (چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت) است. هادی طحان‌نظیف درباره مرحله دوم انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ثبت‌نام نمایندگان نامزدهای انتخاباتی در سامانه «داوطلب» گفت: بر اساس ماده ۶۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، این امکان برای نامزدها وجود دارد که نمایندگان خود را برای حضور در شعب اخذ رای معرفی کنند. نمایندگان نامزدها می‌توانند علاوه بر مجری‌بان و ناظران از ابتدای رای‌گیری تا انتهای فرآیند شمارش آرا در شعب حضور داشته باشند. سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه این امکان از طریق سامانه داوطلب فراهم شده است، خاطر نشان کرد: ثبت‌نام از نمایندگان نامزدها چند روز است آغاز و از طریق پیامک به نامزدها اطلاع‌رسانی شده است. طحان‌نظیف اعلام کرد: آخرین مهلت ثبت‌نام نمایندگان نامزدها ساعت ۱۴ ظهر چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت است که نامزدها از طریق سامانه مراجعه به این سامانه می‌توانند نمایندگان خود را معرفی کنند.

وی تأکید کرد: با توجه به اینکه زمان زیادی به روز انتخابات منامده و کارت‌های نمایندگان باید صادر شود، این مهلت تمدید نخواهد شد.

ادامه از صفحه اول

رقبا در این برهه روسیه، پرتغال، اسپانیا، انگلیس و هلند بودند. برخی این ایده نادر را به معنای جامعه‌سازی بر مبنای سنی‌گری فهم می‌کنند اما به باور من این توضیح درست نیست. برای این مساله نیز می‌توان دلایلی را ارائه کرد. نادر برخلاف صفوی‌ها نگاه امپراتوری به مدیریت سیاسی خود داشته و معتقد بود یک امپراتوری نمی‌تواند یک مذهب داشته باشد. او می‌خواست نهاد سلطنت یا نهاد امپراتوری را یک پله استعلا بدهد و در مقام جانبداری از مذهب خاصی قسار ندهد. برخی عمل نادر را تفسیر به ترویج تسنن می‌کنند اما این تفسیر با مدیریت نادر همخوانی نداشته است. نادر ابتدا حتی تلاش می‌کند با امپراتوری روسیه ارتباط خاندانی درست و به نوعی اتحاد شرقی ایجاد کند تا به دروازه‌های اروپا برسد. نکته آن است که وقتی به دوران افشاریه – که به نوعی در امتداد دکتربن امنیت سرزمینی صفویه است – نگاه می‌اندازیم، نکاتی را درک می‌کنیم. کشته شدن نادر بعد از فتح دهلی منجر به خارج شدن این منطقه از مناسبات جهانی می‌شود. صفویه و مشخصاً نادرشاه در معادلات جهانی دخالت می‌کردند اما با ظهور قاجاریه حتی آغامحمدخان قاجار نیز دیگر یارای مداخله در سیاست‌های جهانی را نداشت.

■ **دوران وابستگی امنیتی**

از زمان سقوط نادر تا بهمن ۱۳۵۷ را از منظر دکترین امنیت ملی و سرزمینی می‌توان در یک دسته قرار داد. ویژگی این دوره اما چیست؟ معماران سیاسی ایران اعم از زندیه، قاجاریه و پهلوی تمام سعی و تلاش‌شان معطوف آن بود که در معادلات جهانی امنیت را از طریق توازن منفی میان ابرقدرت‌ها برقرار کنند. اینها لزوماً آدم‌های ترسو و بزدلی نبودند. کارهای مختلفی نیز برای برقراری امنیت سرزمینی انجام دادند: در دوره قاجار ما لشکرکشی به هرات را داریم اما در همان برهه انگلیس از جنوب ما را تهدید کرده و روس‌ها از شمال به کشور ضربه می‌زنند. در این دوره سیاستمداران به هر طرف حرکت می‌کنند، در نهایت میان بازی قدرت‌های بزرگ دچار ضربه می‌شوند. آخرین ضربه نیز جدایی بحرین است که بخشی از ایران تجزیه می‌شود.معماران سیاسی نظام امنیتی ایران مهم‌ترین کاری که در این برهه انجام می‌دهند، ایجاد توازن میان قدرت‌های بزرگ استعماری است. برای مثال امتیازاتی را به انگلیس می‌دهند، در مقابل امتیازهایی را نیز به روسیه می‌دهند. ضمن آن تلاش می‌کنند در این فضای امتیازدهی تعدادی ایجاد شود تا بر اساس آن حاکمیت را نگه دارند. این معادله گاهی کار می‌کرده و گاهی عمل نکرده و منجر به تجزیه کشور می‌شده است. نکته مهم اما این است که توسعه هیچ‌گاه در این معادله رخ نمی‌داده است. شما ادبیات حوزه منورالفکری را نگاه کنید، دائمیاً بحث از ترقی است اما کسی نمی‌گوید این ترقی در کدام بستر ممکن می‌شود. کسی

نمی‌آید ارتباط میان مفاهیم و بستر را مورد تأمل قرار دهد. از میان منورالفکران کسی این سوال را طرح نمی‌کند که آیا می‌شود در جامعه‌های امنیت ملی درون‌زا نباشد، بلکه متکی به توازن میان قدرت‌های استعماری باشد و بعد آن جامعه بتواند ثروتمند شود؟ جامعه ایران حتی تا اواسط دوران ناصری که هنوز در نظام جهانی سرمایه‌داری ادغام نشده است، تقریباً اعظم کالاهای خود را از درون تهیه می‌کرده است اما به هر میزان ایران وارد نظام جهانی می‌شود، خاصیت خوداتکایی از بیسن می‌رود. نخستین نشانه آن نیز تضعیف پول ملی گوناگون ورسکته می‌شود و ما تبدیل به جامعه‌ای تک‌محصولی می‌شویم. وقتی شرکت ملی نفت در ایران تأسیس

می‌شود ما حتی در تولید گندم خود نیز وابسته بودیم. بعد این سوال پیش می‌آید که سیاستمداران و روشنفکران که در باب حوزه عمومی فکر کرده و با ادبیات مختلف از ترقی سخن می‌گفتند، چرا به این نکته اصلی توجه نمی‌کنند که چرا این سخنان خوب در کشور اثر ندارد؟ به عبارت دیگر چرا با وجود آشنایی نخبگان ایرانی با ایده برخی باز هم کشور ما هیچ نمره‌ای از آن نگرفته است؟ برخی تلاش می‌کنند این عدم رشد را به اخلاقیات پادشاهان یا مردم نسبت دهند یا برای مثال بگویند عدم پیشرفت ما به دلیل جاسوسی سیاستمداران بوده است. ممکن است مسائل روان‌شناختی تأثیراتی در عدم رشد ما داشته باشند اما هیچ‌گاه اینها عامل بنیادین نبوده است. در اینجا باید توضیحی بنیادین را از این مساله ارائه داد. برخی پرسش عباس میرزا از کلنل فرانسوی را نقطه عطفی در تاریخ ما دانسته و معتقدند عباس میرزا از علل عقب‌ماندگی ایران سوال کرده است. پرسش عباس میرزا از علل عقب‌ماندگی ایران پرسش او واضح است: چرا ما در جنگ نمی‌توانیم پیروز شویم؟ به یک معنا پرسش او این است: چرا ما نمی‌توانیم امنیت خود را به نحو درون‌زا تأمین کنیم؟ قاجاریه که از بین می‌رود و پهلوی می‌آید، یک برآیندی از روسیه و انگلستان است. تمام سیاستمداران تلاش دارند امنیت را از توازن قدرت میان این دولت‌های استعماری تأمین کنند. از ۱۳۱۲ به بعد نیز اقبالی در رضاشاه پیش می‌آید که به جای باج دادن به انگلیس و شوروی، پای آلمان را به منطقه باز کنیم. بویژه در جنگ دوم جهانی آلمان به انرژی نیاز داشت و از این طریق می‌شد پیوندی میان ایران و آلمان برقرار شود. گویی اگر ما بتوانیم به این معادله، متغیر سوم‌ی را به نام آلمان وارد کنیم، تعامل با دیگر قدرت‌های استعماری نیز متوازن شده و امنیت ما حفظ می‌شود. اگر توجه خود را از این وضعیت نیز امنیت ما درون‌زا تعریف نمی‌شود. شکست آلمان‌ها باعث شد قدرت سیاسی در ایران از بین برود. اینگونه رضایان از ایران اخراج می‌شود. جالب

دومین سفر استانی رئیس‌جمهور به شهر مقدس قم روزهای پنجشنبه و جمعه این هفته انجام می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی در دور اول سفرهای استانی در سیزدهمین سفر استانی دولت سیزدهم ۹ دی ۱۴۰۰ سفر ۲ روزهای به قم داشت. دومین سفر استانی رئیس‌جمهور به این شهر مقدس نیز فردا انجام می‌گیرد. سفر قبلی رئیسی به قم ۱۴۷ مصوبه داشت که طبق اعلام استاندار قم تاکنون ۶۴ درصد این مصوبات اجرایی شده است.

جمهوری اسلامی چگونه توسعه را با تقویت قدرت درون‌زای ملی محقق می‌کند؟

امنیت درون‌زا و توسعه ایران



رسیده‌اند که نباید تحولات داخل متأثر از تحولات غرب باشد لذا در امتداد این خودآگاهی این موضوع فهم شده است که نباید توسعه را از امنیت تفکیک کرد. در ۲۰۰ سال گذشته برخی به امنیت توجه کرده و پشت آن سنگر گرفته‌اند، همین موضوع باعث شکل‌گیری اختلافات بیشتری در کشور می‌شد. امروز این ۲ مضمون در جمهوری اسلامی با یکدیگر پیوند خورده، لذا توسعه‌یافتگی در هم‌راهی با امنیت است که می‌تواند در نهایت ایران را درون‌زا کند. مساله‌ آخری که باید به آن بپردازیم بحث از امنیت درون‌زا بویژه در عصر جهانی شدن است. به عبارت دیگر بویژه هنگامی که از امنیت درون‌زا در حوزه فرهنگ سخن می‌گوییم، این مساله چه نسبتی با فرهنگ برقرار می‌کند؟ به عبارت دیگر آیا حفظ امنیت فرهنگی با فیلترینگ محقق می‌شود یا باید نظریه جدی‌تری داشته باشیم؟

مفهوم جهانی شدن از همان لحظه تولد پاسخ‌های بنیادینی را دریافت کرد. این پاسخ‌ها البته در میان کشورهای چپین و چین همجون ژاپن و فرانسه مطرح و چنین بیان شد: جهانی شدن به معنای همان آمریکایی شدن است. منتقدان در برابر جهانی شدن مفهوم جهانی – محلی بودن را طرح کردند. یعنی شما نمی‌توانید در فرآیند جهانی شدن همه زیست‌بوم‌های محلی را به شکل آمریکایی بازسازی کنید، بنابراین خود شدن دارای منتقدان جدی بود اما چیزی که می‌توان از آن دفاع کرد کثر در روابط فرهنگی میان کشورهاست. به عبارت دیگر ضمن حفظ فرهنگ بومی لازم است ارتباطات جهانی را نیز تقویت کنیم که دچار انزوا نشویم اما باز این پرسش باقی است: که وقتی ما دچار

بیماری در حاشیه‌ی بودن هستیم، یعنی مرجعیت فرهنگی ما در حال سست شدن و ارتباطات در حال تغییر آن هستند باید به چه سمت حرکت کنیم؟ به باور من فرهنگ یک مقوله گشوده است. فرهنگ می‌تواند استوار و تأثیرگذار باشد که گشودگی و حالت تصرف داشته باشد. فرهنگ بسته در نهایت به رکود می‌رسد. فرهنگ هنگامی می‌تواند پیشرو باشد که ضمن حفظ گشودگی خود، از اصالت‌ها نیز دفاع کند. برای مثال سدهای دیگر بزرگان ادبی ما چگونه می‌شود در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ اروپا را تسخیر می‌کنند، لذا این بخشی از پاسخ است که نباید مساله فرهنگ درون‌زا را امنیت درون‌زا ما را به سمت بسته شدن بیش ببرد.

بخش دیگر پاسخ ما این است که در انقلاب ما ایده‌ای مطرح شد که ما می‌خواهیم از غرب مرکززدایی کنیم. حداقل در لایه هستی‌شناسی چنین طغیانی انجام شد اما برای بسط این طغیان به ساحت دیگر باید توجه کنیم که ما باید تکنولوژی را بسیار جدی‌تر بگیریم. تکنولوژی صرفاً ابزار نیست بلکه یک سبک فکر است. در مرحله بعد ما باید به امر اجتماعی و ساخت جامعه توجه کنیم. برای مثال خود ساختار کلانشهرها بر زندگی انسان به نحو جدی اثر دارد. کلانشهرها خانواده‌ها را از حالت گسترده به سمت هسته‌ای شدن سوق داده و انسان را تنها و فردگرا می‌کند. اگر می‌خواهیم از آمریکا مرکززدایی کنیم لازم است به ۲ بعد مذکور نیز توجه کنیم و تنها منحصر در تبلیغ و امور ذهنی نباشیم. راهکار اینکه ما بتوانیم در تحولات جهانی به جای تأثیرپذیری محض، تأثیرگذار نیز باشیم آن است که از ذهن به عین برسیم و در ساخت جامعه نیز ایده‌های خود را منتشر کنیم، بنابراین به نحو خلاصه برای رسیدن به نقطه مرجعیت فرهنگی ضمن رعایت حالت گشودگی باید در حوزه‌های اجتماعی و تکنولوژیک نیز دارای ایده باشیم که روش‌های مولداتی داشته و نیازمند حرکتی ۱۰۰ ساله است. ما خودآگاهی لازم را برای این مضمون به دست آورده‌ایم. یعنی نخبگان ما و گروه‌هایی از مرد به این خودآگاهی

بنیادین طرح کرده و به آن پاسخ دهد.

حالا آیا بحث ما این است که امنیت درون‌زا به نحو تام و تمام در جمهوری اسلامی تأمین شده است؟ پاسخ آن است که امنیت درون‌زا دارای یک مولفه نیست، بلکه دارای عوامل متعددی است. امنیت درون‌زا در ساحت نظامی تا حدودی تأمین شده است اما آیا در همین ساحت نیز ما به تمامیت ماجرا رسیده و دارای بعدی جهانی هستیم؟ به باور من هنوز ما راه زیادی داریم. برای مثال ما شاهد این هستیم که از یکی از کشورهای آفریقایی همچون سومالی گروهی شورش و تلاش می‌کند دولت را ساقط کند. در این میان سخنگوی دولت آمریکا می‌گوید خردادهای سومالی امنیت ملی آمریکا را به خطر می‌اندازد. اگر اندکی جغرافیا بدانیم متوجه می‌شویم سومالی با آمریکا بیش از ۱۰ هزار کیلومتر فاصله دارد. حالا امنیت ملی را آمریکا چگونه تعریف کرده که دامنه آن در سراسر

دنیا پهن شده است؟ امنیت ملی در دوران سرمایه‌داری متأخر، در ساحت مرزهای جغرافیایی تعریف نمی‌شود، بلکه در سطح کره زمین گسترده شده است. جالب آنکه امروز مرز امنیت ملی به فضا نیز کشیده شده است. ایران تا رسیدن به این سطح البته راه بسیاری دارد. نکته مهم‌تر آنکه وقتی از امنیت درون‌زا سخن می‌گوییم از نظر علمی، رسانه‌ای، فرهنگی، اقتصادی و… هنوز نتوانسته‌ایم به آن سطحی برسیم که بتوانیم امنیت خود را تأمین کنیم. الان رسانه‌های ما نمی‌توانند امنیت روانی جامعه را تضمین کنند. در همین چند روز گذشته گزارش BBC درباره نیکا شاکرمی توانست تا حدی امنیت روانی جامعه را به خطر بیندازد. سواى درست یا غلط بودن محتوای آن هیچ کس در اصل نادیده‌انگاشتن این گزارش سخن

نمی‌گفت، بلکه تلاش‌ها برای اثبات یا رد این گزارش بود. این حقیقت یعنی رسانه‌های جهانی هنوز در کشور ما دارای مرجعیت نسبی بوده و می‌توانند امنیت روانی جامعه ما را مورد خدشه قرار دهند. چنین موضوعی یعنی امنیت روانی جامعه ما درون‌زا نیست.

در ادامه این نوشتار لازم است ۳ مساله دیگر را نیز توضیح دهم. نخستین مساله آن است که خیلی‌ها تلاش می‌کنند حرکت ایران را در امتداد چین یا روسیه تعریف کنند اما واقعیت این نگاه را نباید نمی‌کند. اگر کسی جامعه روسیه و چین را از نزدیک لمس کرده باشد متوجه می‌شود اینگونه نیست که حرکت ایران در امتداد روسیه و چین باشد. ممکن است قدرت اقتصادی چین به نوعی باعث شده باشد ایران فضاهای تنفسی پیدا کند اما این به معنای پیروی ایران از روسیه و چین نیست. نکته دیگر که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد این است که چرا چین، روسیه و ایران آنقدر در حال نزدیک شدن به هم هستند؟ آیا این تنها حاصل یک تصمیم سیاسی است یا ریشه در پیوندهای تاریخی دارد؟ اگر کتاب «جک ودر فور»د، یعنی چنگیز خان و ساخت دنیای مدرن را نگاه کنید جالب است او حوزه سرزمینی چین تا آسیای غربی را دربر می‌گیرد. روسیه نیز در همین دوران قرار می‌دهد. درست است که دنیای مدرن با حضور استعمار از منطقه حافظه‌زدایی کرده است اما عقبه‌ای وجود دارد که باعث می‌شود به نحای گوناگون این سرزمین‌ها به هم نزدیک‌تر شوند، بنابراین تنها خردادهای سیاسی منجر به نزدیکی ایران به چین و روسیه نیست.

نکته دوم آنکه در دنیای جدید که عقلانیت تکنولوژیک و بعد نظام سرمایه‌داری حاکم شده، اگر بخواهیم امنیت درون‌زا را در کلیت خود داشته باشیم، باید از بعد نظامی فراتر برویم و به نحو ترکیبی پیشرفت کنیم. البته این فرآیند روندی طولانی داشته و نیازمند حرکتی ۱۰۰ ساله است. ما خودآگاهی لازم را برای این مضمون به دست آورده‌ایم. یعنی نخبگان ما و گروه‌هایی از مرد به این خودآگاهی



رئیس‌جمهور فردا به قم می‌رود

دومین سفر استانی رئیس‌جمهور به شهر مقدس قم روزهای پنجشنبه و جمعه این هفته انجام می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی در دور اول سفرهای استانی در سیزدهمین سفر استانی دولت سیزدهم ۹ دی ۱۴۰۰ سفر ۲ روزهای به قم داشت. دومین سفر استانی رئیس‌جمهور به این شهر مقدس نیز فردا انجام می‌گیرد. سفر قبلی رئیسی به قم ۱۴۷ مصوبه داشت که طبق اعلام استاندار قم تاکنون ۶۴ درصد این مصوبات اجرایی شده است.